



خانواده توسط مادران هر محله غذا طبخ و در اختیار بیماران قرار می‌گرفت. اما کار مادران میدان فقط پخت و رساندن غذا نبود چون رسالتی شبیه خیریه در این موضوع برای خودش تعریف نکرده بود. علاوه بر تهیه غذا، ارتباط با مادران بیمار در هر خانه، گفت‌وگو و همدلی، قرار دادن بسته‌های دعا و کتاب کنار غذا، تهیه غذا ویژه کودکانی که خانواده‌هایشان در خانه درگیر بیماری بودند نیز از دیگر برنامه‌های مادران میدان بود.

ابتدا کار را بدون هیچ بودجه و صرفاً بر پایه کمک‌های مادران هر محله شروع کردیم. اما وقتی روزانه روایت‌های این همدلی روی کانال می‌رفت، خیرینی از شهرهای مختلف کشور دست به جیب برای شرکت توی این کار می‌آمدند. از سیب‌های یک باغدار دماوندی، تا کیسه‌های برنج کشاورز شمالی و اهدای چندین کیلو گندم و جو خیر خراسانی. علاوه بر مواد خوراکی مقادیر زیادی کمک نقدی و فرهنگی از جمله کتاب و هدایا برای بیماران نیز به دستمان می‌رسید. در کنار این کمک‌ها، افراد بیمار نیز که بعد از طی دوره بیماری بهبود پیدا می‌کردند برای امتداد این نهضت خودشان نیز وارد گود می‌شدند.

بیماری کم‌کم داشت فروکش می‌کرد. تعداد بیمارها کم می‌شد و کار سبک‌تر. تصمیم گرفتیم به جای پایان این نهضت همدلانه و مؤمنانه شکل دیگری برایش تعریف کنیم. تبلیغ نهضت به شکل محلی و فامیلی که شد امتداد نهضت بزرگ احسان مادرانه.

در این شیوه طی یک اطلاعیه از همه اعضای کانال خواستیم هر کدام خودشان یک عضو نهضت شوند و با شناسایی بیماران در میان قوم و خویش و در و همسایه، نهضت را ادامه دهند. حالا دیگر گزارش‌های توی کانال رنگ و بوی جدیدی گرفته بود. هر مادر یک عضو فعال نهضت شده بود و روایت همدلی‌اش با اعضای فامیل و اهل محل را برایشان می‌فرستاد.

این‌ها گوشه‌ای از فعالیت‌های گروه مادران میدان بود؛ گروهی که تلاش می‌کند تا به قدر توان خود نقشی از الگوی سوم زن مسلمان ایرانی را در میانه میدان به تصویر بکشد.

دل اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت خود سبب شد هم مردم و بویژه زنان به عنوان مدیران خانه، به تفکیک زیاله میدا روی بیاورند و هم سبب تأمین غذای دام‌های محلی اطراف مناطق مختلف شد و فضای همدلی و دغدغه‌مندی در سراسر کشور نسبت به این مسأله به وجود آمد.

چراغ سوم؛ فصل همدلی

درست چند ماه بعد از پوشش خشکاله‌ها و در بحبوحه بیماری کرونا، سخنرانی رهبری مبنی بر راه‌اندازی نهضت‌های احسان مؤمنانه برای کمک به حل بحران کرونا، دوباره ما را به میدان کشاند؛ میدانی که این بار جنس‌اش همدلی با مادران و خانواده‌های درگیر کرونا بود. بدین ترتیب موضوع را با شورای مادران میدان مطرح کردیم و کار شروع شد. بیماران در نقاط مختلف کشور از طریق تیم‌های مادران میدان، شناسایی می‌شدند. سپس متناسب با شرایط

”
کانالی که دیگر فقط متعلق به سبزوار نبود و سفره‌اش را آن قدر باز کرده بود که آدم‌هایی از کل کشور دورش نشست بودند و هر شب جمهوریت را برای خودشان و مردم مرور می‌کردند و از چشیدن طعم و مزه‌اش سر کیف می‌آمدند

